ZENDEGI-SALAM
روزنامه خراسان رضوی
سه شنبه • ۵ خرداد ۱۴۰۵
۹ ذی الحجه ۱۴۴۷
۲۶ می ۲۰۲۶
شماره ۲۲۰۵۷
۳۲۷۳

توهم دانایی در قفس‌های الگوریتمی

شبکه‌های اجتماعی که قرار بود بستر تضارب آرا باشند با الگوریتم‌های مبتنی بر هیجان و اقتصاد توجه زمینه‌ساز گفت‌وگوی فراگیر در جامعه نشدند؛ برای همین شاهد هستیم که کاربران در پلتفرم‌های مختلف، خود را اکثریت محق جامعه تصور می‌کنند

سید مصطفی صابری | روزنامه‌نگار

روزگاری رادیو و تلویزیون به عنوان تنها تریبون‌های بیان حقیقت در میانه میدان ایستاده بودند و جهان در سیطره یک تک‌گویی بزرگ و یک‌طرفه بود. رسانه‌های کلاسیک با ساختاری عمودی و از بالا به پایین، مخاطب را در جایگاه یک مصرف‌کننده منفعل قرار می‌دادند که تنها وظیفه‌اش تماشای ویترین‌های از پیش چیده شده بود و باید آگاهی از پیش انتخاب شده را مصرف می‌کرد. در آن عصر، کمابیش حقیقت نه از مسیر استدلال عقلانی، بلکه از طریق تکرار بی‌وقفه و نمایش‌های خیره‌کننده به خورد مخاطب داده می‌شد. اما با ظهور شبکه‌های اجتماعی، گویی دیوارهای این دژ استوار ناگهان فروریخت و تصور یک دموکراسی دیجیتال ایجاد شد؛ جهانی که در آن هر فرد می‌تواند صدایی داشته باشد و حقیقت را از زاویه نگاه خودش بیان کند. با این حال، آنچه امروز با آن مواجهیم، نه یک گفت‌وگوی سازنده، بلکه نوعی تکثر کاذب و سطحی است که در آن آگاهی واقعی به نفع سرعت ترندها و عمق محتوا به نفع لایک‌های گذرا ذبح شده است. ما از بند رسانه‌های متمرکز رها شدیم تا در سلول‌های انفرادی اما پرزرق‌وبرق دیجیتال گرفتار شویم. در این پرونده قصد داریم با نقبی به نظریات بنیادین یورگن هابرماس و مانوئل کاستلز، به دقت بررسی کنیم که چگونه زیست جهان ما توسط منطق نمایش و بمباران رسانه‌ای تسخیر شده است و خواهیم دید که چگونه فناوری‌های نوین به جای تسهیل گفت‌وگوی خردورزانه، ما را در اتاق‌های پژواک و کلونی‌های فکری منزوی و زندانی کرده‌اند. این مطلب تلاشی است برای فهم این که چرا در عصر انفجار اطلاعات، بیش از هر زمان دیگری با بحران معنا و تفاهم روبه‌رو هستیم، چرا کاربران اینستاگرام به‌نوعی و کاربران ایتا به شکل دیگری خود را اکثریت و محق می‌دانند و از تعامل و تضارب آرا غافل می‌شوند؟

وقتی آگاهی در رسانه‌های یک‌طرفه نایاب می‌شود

یورگن هابرماس در نظریه کنش ارتباطی خود بر این باور است که حوزه عمومی فضایی است که در آن افراد فارغ از اجبار گرد هم می‌آیند تا درباره مسائل مشترک از طریق استدلال عقلانی به تفاهم برسند. اما او با نگاهی انتقادی به تاریخ رسانه‌ها هشدار می‌دهد که این فضای ایده‌آل تحت تاثیر ساختارهای قدرت و ثروت به مسیری انحرافی کشیده شده است. او مفهوم «استعمار زیست‌جهان» را مطرح می‌کند؛ جایی که منطق سیستم یعنی پول و قدرت، جایگزین منطق تفاهم و گفت‌وگو می‌شود. در بیشتر رسانه‌های کلاسیک، آن‌چه ما به عنوان مخاطب تجربه می‌کنیم، دقیقا شکلی از همین استعمار است. رسانه قرار بود پلی برای انتقال آگاهی و بستری برای گفت‌وگو باشد، اما در عمل به ابزاری برای نمایش تبدیل شد. در تلویزیون و بیشتر رسانه‌های رسمی، شروط گفت‌وگوی هابرماسی که بر پایه برابری طرفین و اعتبار استدلال بنا شده است، رعایت نمی‌شود. رسانه‌های کلاسیک محتوای آماده را به صورت بسته‌بندی شده تحویل می‌دهند و مخاطب را در وضعیتی قرار می‌دهند که گویی در یک تماشاخانه بزرگ نشسته است؛ او حق تماشا دارد اما حق مداخله و نقد در لحظه را ندارد. در این ساختار، استدلال عقلانی جای خود را به نوعی از دستکاری افکار عمومی می‌دهد. پس حقیقت دیگر محصول یک فرایند جمعی و دیالوگ‌محور نیست، بلکه محصول تصمیمات اتاق‌های فکر است که با تکنیک‌های اقناع و پروپاگاندا به خورد شهروندان کشورهای مختلف داده می‌شود. هابرماس معتقد است این وضعیت باعث می‌شود که حوزه عمومی از محتوای عقلانی تهی شود و جای خود را به نمایشی بدهد که در آن به جای شهروند، با توده‌ای روبه‌رو هستیم که فقط مصرف می‌کند. فقدان تعامل و تکثر در رسانه‌های کلاسیک، آگاهی را به یک کالای یک‌طرفه تبدیل کرده است که در آن هیچ فضایی برای پرسشگری وجود ندارد. در واقع این رسانه‌ها با حذف تضارب آرا، زیست جهان ما را به نفع روایت‌های رسمی مصادره کرده‌اند و اجازه نمی‌دهند که خرد جمعی از مسیر طبیعی خود عبور کند. این آغاز جریانی است که مخاطب را از یک موجود کنشگر به یک موجود واکنشی و منفعل تقلیل می‌دهد.

اتصال حداکثری و تفاهم حداقلی در جهان شبکه ای

شکستن انحصار رسانه‌های بزرگ با فراگیری فضای مجازی، وبلاگ‌نویسی و بعد هم شبکه‌های اجتماعی لزوما به معنای افزایش آگاهی از دل تضارب آرا نبود. مانوئل کاستلز با کالبدشکافی جامعه شبکه‌ای به ما نشان می‌دهد که چگونه قدرت از نهادهای متمرکز به پروتکل‌ها و الگوریتم‌های ارتباطی منتقل شده است. او مفهوم خودارتباطی توده‌ای را مطرح می‌کند؛ وضعیتی که در آن هر فرد تصور می‌کند تریبونی مستقل دارد، اما در واقع این تریبون‌ها در زمینی بازی می‌کنند که قواعد آن را الگوریتم‌های پیچیده تعیین می‌کنند. پارادوکس بزرگ عصر ما این است که هر چه بیشتر به هم متصل شده‌ایم، قدرت درک و تفاهم میان ما کمتر شده است. الگوریتم‌های شبکه‌های اجتماعی بر پایه اقتصاد توجه بنا شده‌اند؛ به این معنا که هدف آن‌ها نه انتقال حقیقت یا تسهیل استدلال، بلکه نگه داشتن کاربر در پلتفرم به هر قیمتی است. در این بازار پرهیاهو، استدلال عقلانی که فرایندی زمان‌بر و نیازمند تامل است، در برابر هیجان‌های آنی و ترندهای زودگذر شکست می‌خورد. الگوریتم‌ها به گونه‌ای طراحی شده‌اند که محتوای چالش‌برانگیز، قطبی‌ساز و تکان‌دهنده را بیشتر از تحلیل‌های عمیق بازنشر می‌دهند، زیرا هیجان است که باعث کلیک و لایک می‌شود، نه خردورزی. به همین دلیل شبکه‌های اجتماعی نتوانستند مکمل رسانه‌های کلاسیک برای آگاهی‌بخشی باشند، بلکه خود به نوع دیگری از سطحی شدن ذهنی دامن زدند. برای همین مخاطب سمت فرسودگی پرتاب شده است. ما در حال بهره‌کشی از خویشتن هستیم. فکر می‌کنیم در حال روشنگری و فعالیت اجتماعی هستیم، اما در واقع فقط در حال تولید سوخت برای ماشین‌های داده‌کاوی هستیم که ما را در قفس‌های شیشه‌ای الگوریتمش محبوس کرده است. در نهایت ما در عصر انفجار اطلاعات، با نوعی توهم آگاهی روبه‌رو هستیم؛ جایی که اتصال به اینترنت با اتصال به حقیقت اشتباه گرفته می‌شود و فناوری به جای آن که کاتالیزور گفت‌وگو باشد، به ابزاری برای انزوای جمعی در میانه شلوغی‌های دیجیتال تبدیل شده است؛ چرا که اتصال زیادی به شبکه‌های اجتماعی داریم اما گفت‌وگوی واقعی برای رسیدن به نقاط مشترک و تعامل سازنده برای آگاهی شکل نمی‌گیرد و چیزی جز فرسودگی پیش روی ما نیست.

مجمع الجزایر انزوا یا اتاق های پژواک

وقتی از رسانه‌های کلاسیک به شبکه‌های اجتماعی کوچ کردیم، تصورمان این بود که به دریای بیکران دیدگاه‌ها پیوسته‌ایم؛ اما آنچه اتفاق افتاد، غرق شدن در تالاب‌های کوچکی بود که دیوارهایش را باورهای خودمان ساخته‌اند. پدیده «اتاق پژواک» دقیقا همان جایی است که در آن صدای ما فقط توسط کسانی شنیده می‌شود که با ما هم‌نظر هستند و ما هم فقط صداهایی را می‌شنویم که بازتابی از عقاید پیشین ماست. ما در جریان زندگی و بر اساس روان‌شناسی تکاملی به تایید جمع نیاز زیادی داریم؛ برای همین همیشه درگیر خطای شناختی هستیم، نظراتی را که دیدگاه ما را تایید کنند، می‌بینیم و جدی می‌گیریم تا آرامش داشته باشیم، اما چشم‌مان را روی آن‌چه خلاف نظر ما باشد، می‌بندیم تا نیازی به تجدیدنظر در دیدگاه‌های‌مان نداشته باشیم. الگوریتم‌ها با رصد دقیق رفتارهای ما، محتوایی را پیش چشم‌مان می‌آورند که

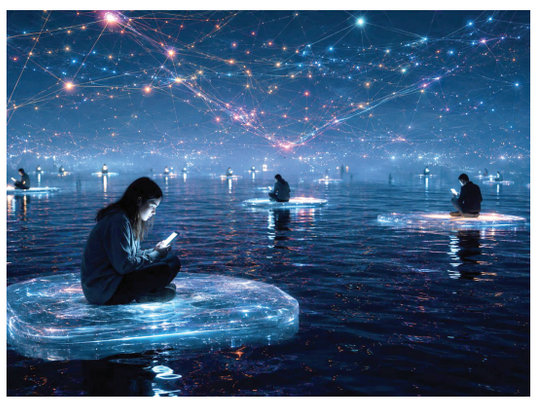

با سلیقه و سوگیری‌های ما همسو باشد. این جاست که مثل دنیای واقعی باز هم خطای شناختی تایید وارد عمل می‌شود؛ پس در فضای مجازی هم که قرار بود سرشار از تکثر باشد ما آگاهانه یا ناآگاهانه به دنبال اطلاعاتی می‌گردیم که مهر تاییدی بر درست بودن ما بزند و از هر آنچه باورهایمان را به چالش بکشد، دوری می‌کنیم. نتیجه این فرایند، ایجاد نوعی مجمع الجزایر دیجیتال است که در آن ساکنان هر جزیره، هیچ درکی از زیست جهان جزیره همسایه ندارند. در فضای مجازی، این قطبی‌سازی به‌وضوح در مرزبندی میان پلتفرم‌ها دیده می‌شود. کاربری که تمام‌وقت خود را در ایتا می‌گذراند، تحت تاثیر محتواهای همسو، به این باور می‌رسد که اکثریت مطلق جامعه دقیقا مثل او فکر می‌کنند و حقیقت محض در دستان اوست. به همین ترتیب، کاربری که در توئیتر یا اینستاگرام زیست می‌کند، در حباب فکری خود محصور شده و هر صدای مخالفی را یا نادیده می‌گیرد یا آن را محصول نادانی و فریب می‌پندارد. این اتاق‌های پژواک، حس کاذب اکثریت بودن را تشدید می‌کنند و باعث می‌شوند ما نسبت به واقعیت‌های متکثر جامعه دچار کوری شویم. در این وضعیت، گفت‌وگو عملاً ناممکن می‌شود؛ چرا که برای گفت‌وگو، ابتدا باید بپذیریم که دیگری هم سهمی از حقیقت دارد. اما در اتاق پژواک، حقیقت یک امر پیشینی و مطلق است که فقط در کلونی ما یافت می‌شود. ما در تالار آینه‌هایی زندگی می‌کنیم که فقط تصویر خودمان را با وضوح بیشتر به ما نشان می‌دهند و این توهم را ایجاد می‌کنند که جهان چیزی جز ما نیست. این انزوای خودخواسته، خطرناک‌ترین پیامد جامعه شبکه‌ای است که در آن انسان‌ها در میانه انبوهی از پیام‌ها، تنهاتر و متعصب‌تر از همیشه شده‌اند.

چطور مصرف‌کننده منفعل نباشیم؟

راه رهایی از این قفس‌های شیشه‌ای، نه در قطع ارتباط با جهان، بلکه در بازتعریف رابطه فعال، انتقادی و کنشگرانه ما با فضای رسانه و شبکه‌های اجتماعی است. سواد رسانه‌ای در معنای عمیق خود، تنها یک مهارت تکنیکی برای تشخیص اخبار جعلی نیست، بلکه نوعی سلوک فکری برای بازپس‌گیری استقلال سوژه انسانی در برابر هجمه الگوریتم‌هاست. برای عبور از توهم آگاهی، نخستین گام این است که از جایگاه یک مصرف‌کننده منفعل که اجازه می‌دهد ماشین‌های داده‌کاوی برای او تصمیم بگیرند، به یک سوژه نقاد تبدیل شویم که نسبت به سوگیری‌های احتمالی خودآگاه است. این تغییر وضعیت نیازمند نوعی تواضع فکری است؛ یعنی پذیرش این واقعیت که حقیقت لزوماً آن چیزی نیست که در کلونی فکری ما ستایش می‌شود. ما برای رشد یافتن، بیش از آن که به تایید همفکران‌مان نیاز داشته باشیم، به چالش دیدگاه‌های مخالف نیازمندیم. قرار دادن خود در معرض نگاه دیگری، نه یک تهدید برای باورها، بلکه تنها راه صیانت از عقلانیت است. وقتی رسانه‌های کلاسیک با پروپاگاندا و رسانه‌های نوین با الگوریتم‌های توجه، وظیفه آگاهی‌بخشی و ایجاد تضارب آرا را نادیده می‌گیرند، این مسئولیت سنگین بر دوش خود شهروند می‌افتد. ما باید کارکردهای ناقص رسانه‌ها را به عهده بگیریم؛ یعنی پیش از پذیرش هر محتوا، ریشه‌های آن را جست‌وجو کنیم و از خود بپرسیم که این داده با چه هدفی و با تحریک کدام هیجان پیش چشم ما قرار گرفته است؟ بازسازی حوزه عمومی در عصر مجمع الجزایر دیجیتال، مستلزم بازگشت به اخلاق گفت‌وگوی هابرماسی است. این یعنی تلاش برای یافتن زبان مشترک با کسانی که در جزیره‌های دیگر زندگی می‌کنند و پذیرش این که هیچ کلونی یا پلتفرمی، اکثریت مطلق و حامل حقیقت محض جامعه نیست. رهایی واقعی زمانی اتفاق می‌افتد که ما دیوار حباب‌های خود را بشکنیم و اجازه دهیم تضارب آرا، غبار تعصب را از ذهن ما بزداید. سواد رسانه‌ای یعنی آگاهی به این که حقیقت همواره فراتر از لایک‌ها و ترندهای لحظه‌ای است. در نهایت، تفکر انتقادی به ما می‌آموزد که چگونه در میانه بمباران اطلاعاتی، سکوت عقلانی را برگزینیم و به جای واکنش‌های هیجانی، به دنبال لایه‌های عمیق معنا باشیم. این تنها راه بازسازی یک جامعه همدل و آگاه در عصر اتصال‌های بی‌معناست.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک تایباد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده۳قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۵۰۰۰۱۹۸ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تایباد تصرفات مالکانه بلا معارض متقاضی آقای یار محمد اسماعیلی به شناسنامه شماره ۵۸۳ کد ملی ۰۷۴۸۷۴۳۸۹۸ صادره تایباد فرزند درمحمد در ششدانگ یکباب منزل مسکونی دو طبقه به مساحت ۹۷.۵۵ متر مربع پلاک شماره ۱۱۷/۴۶۱۴ فرعی از ۲۵۱-اصلی-واقع در خراسان رضوی بخش ۱۴ مشهد حوزه ثبت ملک تایباد واز محل قسمتی از مالکیت عبدالرحمن مختاری و قسمتی از پلاک محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذرسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. تاریخ انتشار نوبت اول:۱۴۰۵/۰۳/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۴۰۵/۰۳/۲۰
رسول طاهری زاده رئیس ثبت اسناد و املاک تایباد
۱۸۷۶۹۸

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک کاشمر
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵۶۰۳۰۶۰۱۲۰۰۰۶۲۰ هیات اول کلاسه ۱۴۰۴-۲۱۶۶ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک کاشمر تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مینا محجوب عشرت آبادی به شناسنامه شماره ۰۸۹۰۶۰۹۹۹۳ کد ملی ۰۸۹۰۶۰۹۹۹۳ صادره کاشمر فرزند مهدی در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۲۵.۵۵ متر مربع، پلاک ثبتی ۳۰۲۷ اصلی واقع در خراسان رضوی بخش یک حومه حوزه ثبت ملک کاشمر خریداری از مالک رسمی عباس شجاعی احدی از ورثه احمد شجاعی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم ،اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۱۴۱۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵/۰۳/۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵/۰۳/۲۰
احمد جهانگیر – رئیس ثبت اسناد و املاک
۱۸۷۴۳۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک بردسکن
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۱۴۰۵.۳۹۷ هیات اول دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بردسکن تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای خانم ابراهیم محمدزاده فرزند برات الله بشماره شناسنامه ۶۴۰ صادره ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۱۵۷.۰۵ متر مربع مفروز و مجزا شده از پلاک ۴۱۳ فرعی از ۴ اصلی واقع در بخش ۴ شهرستان بردسکن خریداری از حسین علمی فرزند قاسم محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی میشود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس ا از اخذ ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. م الف ۶۴ شناسه ۲۱۹۰۶۴۶
تاریخ انتشار نوبت اول : ۱۴۰۵.۰۳.۰۵ تاریخ انتشار نوبت دوم : ۱۴۰۵.۰۳.۲۰
غلامرضا گنج بخش رئیس ثبت اسناد و املاک بردسکن
۱۸۷۵۴۳

آگهی تجدید مناقصه عمومی یک مرحله ای با ارزیابی فشرده
وزارت میراث فرهنگی گردشگری و صنایع دستی
خراسان رضوی
اداره کل میراث فرهنگی ، گردشگری وصنایع دستی خراسان رضوی در نظر دارد انجام امور مرمت، تعمیر و نگهداری تاسیسات فضای سبز مجموعه های فرهنگی و تاریخی تابعه در سطح استان را از طریق مناقصه واگذار نماید. کلیه مراحل برگزاری مناقصه از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir انجام خواهد شد . آگهی نوبت اول : سه شنبه ۱۴۰۵/۰۳/۰۵
آگهی نوبت دوم : پنج شنبه ۱۴۰۵/۰۳/ ۰۷
شناسه ۲۱۸۸۶۰۵
اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری وصنایع دستی خراسان رضوی
۱۸۷۵۵۶